

چگونه گره کور بیکاری گشوده می‌شود؟

دکتر محمود جامساز

متفاوت از معاملات سنتی بانکداری است، نظام بانکی، قادر به تغییر و تحول به سمت و سوی نظام‌های بانکی مدرن و جامع نمی‌باشد، گرچه قوانین مالی ما با هدف جامعیت بخشیدن به نظام مالی مبتنی بر بانک شکل گرفته‌اند، اما تحولات اقتصادی و مالی جهانی و بکارگیری ابزارهای نوین مالی و کاربرد وسیع E-Bank، کلیت و جامعیت قانون عملیات بانکداری بدون ربا را در فراگیری وجوه مختلف بازار پول و سرمایه زیر سوال برده است. ضمن آنکه تاسیس بانک-های خارجی در کشور نیز هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. از این رو باید پذیرفت که جریان روان ورود و خروج FDI در نظام مالی با مشکلات ساختاری روبرو می‌باشد.

بدیهی است با استمرار وضع موجود نمی‌توان امیدوار بود که رشد جذب FDI مطابق برنامه چهارم صورت واقعیت بخود گیرد و دستیابی به شاخص بیکاری ۸/۴ درصد در پایان برنامه امکان وقوع یابد. این در حالیست که در حال حاضر بیش از سه میلیون نفر بیکار، لشگری را شکل داده‌اند که بزرگترین خطر را برای نظم موجود رقم زده است.

با این حال باید اذعان داشت که ایجاد فرصت‌های شغلی بدون مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌ها امکان‌پذیر نیست. ضمن آنکه هر سرمایه‌گذاری نیز منجر به خلق فرصت‌های شغلی مطلوب نمی‌گردد. بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های تکنولوژی بر و یا حتی مدرنیزه کردن صنایع موجود، ممکن است بر تعداد نیروی بیکار بیافزاید. لذا بی‌تردید، ترکیب ساختار تولید کشور به لحاظ استعداد اشتغالزایی در کنار رشد اقتصادی باید مورد عنایت جدی دولت نهم قرار گیرد تا رشد اقتصادی ملازم با ایجاد فرصت‌های شغلی گره از کار فروبسته معضل بیکاری بگشاید.



به رغم وجود توان و ظرفیت بالقوه برای رشد تولید ملی و وفور منابع طبیعی و درآمدهای نفتی قابل ملاحظه، متأسفانه پدیده شوم بیکاری بر اقتصاد کشور بگونه‌ای سایه‌افکننده که سیاست‌گذاری‌های موجود اقتصادی قادر به مهار آن نیست. زیرا به اعتقاد کارشناسان اقتصادی و مالی، ریشه‌کنی آن جز از طریق دستیابی به نرخ رشد اقتصادی ممتد دو رقمی امکان‌پذیر نخواهد بود.

کارشناسان اقتصادی علت اصلی عدم جذب FDI توسط کشور، فقدان یک نظام مالی قدرتمند است. بدیهی است کشورهای با نظام مالی ضعیف، بورس اوراق بهادار توسعه نیافته و آسیب‌پذیر که در پی مختصر تغییر و تحولی اعم از سیاسی و اقتصادی به سرعت عکس‌العمل نشان می‌دهند، به سبب سیستم ضعیف حفاظتی سرمایه‌گذاری، مستعد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیستند.

می‌توان یکی از علل ضعف بازار بورس اوراق بهادار را به دخالت نامطلوب نظام بانکی در بازار سرمایه معطوف ساخت که تفکیک بازارهای پول و سرمایه را غیرممکن نموده است. فی‌الواقع نظام مالی در کشور، بانک محور است و بازار بورس اوراق بهادار و شرکت‌های سرمایه‌گذاری به تنهایی سهم کوچکی در تامین سرمایه‌گذاری‌ها بعهده دارند. براین اساس متوسط نسبت تامین مالی از طریق بازار بورس نسبت به تولید ناخالص داخلی که شاخص تامین مالی بورس است، بسیار ناچیز و توجیه‌ناپذیر می‌باشد. البته این امر به دلیل توسعه‌یافتگی نظام بانکی و عدم نیاز به بازار بورس نیست، بلکه علت را باید در کاستی‌های موجود در ساختار مالی کشور پی گرفت. زیرا به‌رغم آنکه قوانین مالی بیشتر در جهت فعال‌سازی نظام بانکی در بازارهای پول و سرمایه، براساس کاربرد عقود اسلامی جهتگیری دارد معذالک به سبب محدودیت‌های این عقود در پوشش دادن به انواع معاملات که به لحاظ شکلی متمایز و

این در حالیست که حصول متوسط رشد ۸ درصدی در طول برنامه چهارم توسعه که نرخ بیکاری را در پایان برنامه به ۸/۴ درصد برساند، مستلزم مقادیر متنابهی سرمایه‌گذاری داخلی با متوسط رشد سالیانه ۱۲/۲ درصد و سرمایه‌گذاری خارجی با متوسط رشد سالیانه ۴۰ درصد، پیش‌بینی شده در طی برنامه می‌باشد.

خوشبختانه افزایش روز افزون بهای بین‌المللی نفت خام که درآمد نفتی ایران را در حال حاضر به‌بیش از ۵۰ میلیارد دلار در سال رسانیده است، قاعدتاً باید دستیابی به متوسط رشد سرمایه‌گذاری داخلی بر طبق برنامه چهارم را تقویت کند. اما مع‌الاسف نه تنها در زمینه سرمایه‌گذاری‌های داخلی توفیق قابل توجهی حاصل نشده است بلکه هنوز به رغم تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمتر نشانه‌هایی از آماده شدن زمینه‌های ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حد مطلوب دیده می‌شود.

بدنیست بدانیم براساس گزارش بانک جهانی در ارتباط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Foreign Direct Investment - FDI) ایران از لحاظ شاخص عملکرد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - که برابر نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی (GDP) است - در میان ۱۶ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه چهاردهم است. به اعتقاد بسیاری از